

برکات دفاع مقدس در کلام امام خمینی (س)

۱. کسب تجربه

جنگ، میدان آموزشهای عملی

یکی از برکات این جنگ تحمیلی برای ملت ما همین معناست که ما سربازانمان و جوانان و دانشجویان افسری ما در دانشکده افسری، علاوه بر تحصیل دوره های دانشکده، عملاً در جبهه ها حاضر می شوند و تعلیمات عملی می بینند و در علوم عملی، این میزان است، نه خواندن. خواندن مقدمه عمل است و شما امروز در میدانها عمل را هم یاد می گیرید. (۱)

بهای سنگین برای تجربه های انقلاب

تجربه انقلاب اسلامی در ایران، با خونهای هزاران شهید و مجروح و خراب شدن منزلها و به آتش کشیده شدن خرمیهای کشاورزان و کشته شدن تعداد بسیاری در بمب گذاریها و اسیر شدن فرزندان انقلاب و اسلام به دست دژخیمان بعث عراق و هزاران گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی به دست آمده است. (۲)

شکوفایی استعدادها در جنگ

خدا را سپاس می گزاریم که منت هیچ قدرت و کشوری و ابرقدرتی در جنگ، بر گردن ما نیست و مردم کارآزموده و متوکل ما با استعانت از ذات مقدس کبریا یکه و تنها و مظلومانه بر مشکلات بسیاری از طرح و عملیات و بسیج و آموزش نیروها تا نیاز تسلیحاتی کشورمان فائق آمده است. و علاوه بر موفقیتهای اعجاز گونه ای که در صحنه های دفاع از کشور اسلامی و بیرون راندن متجاوزین از هزاران کیلومتر، به **تحولات شگرف صنعتی** از قبیل راه اندازی کارخانجات و دیگرگونی در خطوط تولید و ساختن و اختراع دهها وسایل پیشرفته و مدرن نظامی، آن هم بدون حضور هیچ مستشاری و بدون هیچ گونه کمک خارجی، دست یافته ایم. (۳)

اعتماد به توان خودی در جنگ

ما در جنگ به این نتیجه رسیده ایم که باید روی پای خودمان بایستیم. (۴)

۲. رشد خلاقیتها

دستیابی ملت به پیشرفتهای دفاعی مدرن

انزوا اگر پیدا شد، انسان خودش را بهتر پیدا می کند. دیروز چند تا، دو سه تا جوان آمدند و یک تفنگی را، که من خوب نمی شناسم تفنگ چه هست، آوردند نشان دادند، گفتند: این را ما خودمان درست کردیم. وقتی هم به ارتش نشان دادیم گفتند صحیح است و خوب است و وسایل را فراهم می کنیم. این برای این است که چنانچه ما منزوی نبودیم، هیچ وقت به فکر این کار نمی افتادند. (۵)

خودباوری در جنگ

شما دیدید در این جنگ تحمیلی که پیش آمد و محاصره اقتصادی ما شدیم، خود ایرانیها خود ارتشیها این قطعات را درست کردند. اگر قبل از این بود، یکی از آن قطعات را نمی توانستند درست کنند؛ از باب اینکه شخصیتشان را گم کرده بودند، می گفتند باید متخصص بیاید. من اعتقاد است که اگر ما در محاصره اقتصادی یک ده سال، پانزده سال واقع بشویم شخصیت خودمان را پیدا می کنیم؛ یعنی همه مغزهایی که راکد بودند در آن وقت و نمی توانستند فعالیت بکنند به فعالیت می افتند. (۶)

شکوفایی استعدادها در اثر محاصره اقتصادی

امروز متفکران ملت بزرگ ما، در اثر محاصره اقتصادی، مغزهای خود را به کار انداخته اند و نقصانهای موجود را به طور چشمگیری رفع و زیانهای ناشی از محاصره را با کوشش شبانه روزی خود به مقدار زیاد جبران نمودند. امروز دولت ایران با پشتیبانی ملت، قویتر و سرسخت تر در مقابل دشمنان ایستاده است. (۷)

رشد خلاقتهای صنعتی در ملت

شما چنانچه باورتان آمده باشد که نمی توانید صنعت درست بکنید و نمی توانید صنایع بزرگ و کوچک را و چیزهایی که احتیاج به غرب بوده است خودتان آنها را درست بکنید، تا این باور هست، نمی توانید که انجام بدهید. اول باید خودتان را درست کنید؛ اول باید باورتان بیاید که ما هم انسانیم، ما هم قدرت تفکر داریم، ما هم قدرت صنعت داریم. این قدرت در همه افراد بشر بقوه هست. اگر این باور برای شما پیدا شد [موفق خواهید بود]. با این تجربه ای که در این دو سال شماها کردید، دیدید که آن حرفهایی که گفته می شده است تبلیغات بوده است و

مسائل آنطور نبوده است. این تبلیغات بوده است که در مقابل قدرتهای بزرگ نمی شود نفس کشید و باید تسلیم قدرتهای بزرگ شد.... این پیروزی که شما به دست آوردید، برای اینکه باورتان آمده بود که می توانید؛ باورتان آمده بود که امریکا نمی تواند به شما تحمیل بکند. این باور اسباب این شد که آن کار بزرگ معجزه آسا را شماها انجام دادید و چنانچه شما ملاحظه می کنید که در این دو سال در کشور ما صنعتهای زیادی که آنها انجام می دادند، خودشان انجام می دهند و باورتان باشد که خود ما هم می توانیم، صنعتی داشته باشیم و می توانیم ابتکاری داشته باشیم. همین باور توانایی، شما را توانا می کند. اساس این باور است که آنها از ما گرفته بودند. آنها ما را از همه چیز تهی کرده بودند، به طوری که افکار ما، باورهای ما، همه وابستگی داشت. اگر افکار یک ملتی وابستگی به قدرت بزرگی داشته باشد، تمام چیزهای آن ملت، وابستگی پیدا می کند. عمده این است که افکار شما آزاد بشود، افکار شما از وابستگی به قدرتهای بزرگ آزاد بشود. اگر افکار شما آزاد شد و باورتان آمد که ما می توانیم که صنعتمند و صنعتکار باشیم، خواهید بود. اگر افکارتان و باورتان این باشد که ما می توانیم مستقل باشیم و وابسته به غیر نباشیم، خواهید توانست. اگر کشاورزان ما باورشان این باشد که ما می توانیم در کشاورزی به جایی برسیم که صادر کنیم و وابسته به غیر نباشیم، بلکه دیگران به ما محتاج باشند، می توانند. اگر شماهایی که در صنعت هستید و پرسنل صنعتی [هستید] در ارتش این باور را داشته باشید و به تجربه این باور را امروز دارید که می توانید صنّاع باشید و می توانید کارهای ابتکاری بکنید، خواهید توانست. (۸)

به کار افتادن افکار متخصصین

تا کنون ندیدند یک حکومتی که وقتی که جنگ بشود همه مردم جنگجو هستند. وقتی که محاصره اقتصادی بشود افکار همه مردم توجه به این پیدا می کند که ما باید خودکفا باشیم و متخصصین ما مشغول می شوند و افکار خودشان را به راه می اندازند و قدرت خودشان را به راه می اندازند و ایران را مستغنی می کنند از خارج. و من به شما اطمینان می دهم که اگر تا یک مدتی ما در این فشارها باشیم، ایران بیشتر ثبات پیدا می کند و مغزهای متفکر مکتبی ایران بیشتر به کار می افتد و ایران را خودکفا می کند. (۹)

رشد افکار در اثر محاصره های دشمن

مهم این است که امروز همه، همه چیز را بر روی ما بسته اند و این خود، نعمتی برای ما بوده است. وقتی همه درها بسته شد و فکرها باز، می بینید که فعالیتها آغاز شد و همه جا کانون فعالیت است ... و می بینید قریب دو سال است که جنگ را به خوبی به پیش می برند. (۱۰)

تحریم اقتصادی موجب خودکفایی

همین تحریم اقتصادی برای شما یک تحفه آسمانی بود که فکرهای متفکران ما را به راه انداخت و بحمدالله رو به خودکفایی می روند. (۱۱)

استقلال خواهی عامل رشد خلاقیتها

الآن همه فعال شده اند. الآن می دانند که باید در مقابل امریکا بایستند، باید در مقابل زورگویی بایستند، باید خودشان استقلال داشته باشند ... من جمله همینهایی که شما می گوید که خود این آقایان چیزهایی که نمی شد فکر کنید که اینها درست کنند و یا فکر این مسائل را نمی کردند، خود آقایان این کار را کردند و امیدواریم که بعدها ان شاءالله، بیشتر و بالاتر انجام بدهند. (۱۲)

جنگ و محاصره عامل پیشرفت و اختراعات

ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته ایم آنهمه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفتهای داشته باشیم. ان شاءالله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می سازیم. (۱۳)

رشد صنایع نظامی در جنگ

تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آنچنانی برخوردار شد. (۱۴)

۳. افشای چهره دشمنان

افشای چهره منافقین

این اشخاصی که ادعا می کنند و ادعا می کردند که ما طرفدار مظلومین هستیم، طرفدار خلق هستیم، فدایی خلق هستیم، مجاهده برای مردم می کنیم، ثابت شد به اینکه همه این حرفها،

صحبت‌های خلاف واقع بوده است و الآن که کشور ایران با حزب بعث منحط در جنگ هستند، الآن از آنها هیچ خبری نیست و آنها باز به فسادهایی که اندیشه می کردند، ادامه دارند می دهند. لکن بر آنها هم ثابت شد که اگر یک روزی دولت ایران بخواهد شر آنها را بکند، با یک یورش همه آنها را از بین می برد. این هم یکی از خیراتی بود که برای ما در این جنگ، در این جنگ تحمیلی حاصل شد. (۱۵)

افشای تظاهر صدام به اسلام

در این جنگ - یک، خیلی از امور، که بعضی دیگرش هم هست البته خیلی از امور معلوم شد. باز خوب شد که صدام حسین را به ظواهر اسلام کشانده؛ برای اینکه این روزها می گویند نماز هم می خواند! توی مسجد هم می رود! این همان کارهایی بود که محمدرضا می کرد، عیناً همان. اینها از یک آخور ارتزاق می کنند. آن هم یکوقتی که پیش می آمد، بدترین فحشها را به علمای اسلام می داد و به اسلام هیچ کار نداشت، ضربه می زد. یکوقت که ضعیف و بیچاره می شد، می رفت نماز می خواند و در حرم حضرت رضا می رفت و نماز می خواند و از این بساط درمی آورد. حالا ایشان هم که همه ملت عراق می شناسند او را کی هست، نمی دانند که ایشان که حالا هم می خواهد نماز بخواند و در مسجد برود، کی را می خواهد بازی بدهد. ملت عراق را می خواهد بازی بدهد. ملت عراق ایشان را ماهیتش را می شناسد. ماها را هم می خواهد بازی بدهد. ماها هم ماهیتش را می شناسیم. کسانی که آن ور دنیا هستند، در امریکا و اروپا هستند، اگر بعضی اشخاص پیدا بشوند شناسند این را، ممکن است. اما آنجاهایی که ایشان هستند مثل بغداد و - عرض بکنم که عراق، مردم ایشان را می شناسند. مردم سالهای دراز با این حزب بعث زندگی کردند و از این حزب بعث، اینها صدمه ها دیدند. این آدمی که حالا دارد می گوید من مسلمان هستم و ما در مقابل کفار داریم جنگ می کنیم، این آدم همان آدمی است که برای اربعین، وقتی که زوار حضرت سیدالشهداء حرکت کردند، آنها را به توپ و تفنگ بستند و آنقدر جنایت کردند. دیگر ملت عراق با اینکه این جنایات را از شما دیده، باور می کند که شما یک آدم دینی باشید؟ ... باز معلوم شد به اینکه این عروسک چه عروسکی است که هر جوری می خواهند حرکتش می دهند، هر روزی حرکتش می دهند، به یک جور حرکت می دهند. این هم باز معلوم شد و بسیاری از چیزهای دیگر در این جنگ معلوم شد. (۱۶)

روسیاهی دشمن در اثر جنگ

از جنگ خسته نشوند مردم. جنگ یک چیز خوبی است. البته ما پیشقدم نیستیم. برای جنگ ما پیشقدم نیستیم، لکن حالا که به ما تحمیل شده است، این یک آثار بزرگی دارد برای نهضت ما. یکی از آثارش این است که دشمن ما را رو سیاه کرد در دنیا. این می خواست که برای خودش یک حیثیتی پیدا بکند و اینکه دشمن اسلام بود و قبل از این هم که هجوم کند به ایران، با عراق آنطور معامله کرد و با علمای عراق آنطور معاملات کرد و با ملت عراق آنطور و با دسته جات برای عاشورا آنطور و برای زائرین کربلا، که برای اربعین می رفتند، آنطور جنایتکارانه عمل کرد. این در دنیا رسوا شد. و حالا هم هر چه می خواهد سالوسی کند و نماز بخواند و اظهار اسلامیت بکند و امثال ذلک، دیگر فایده ندارد. این دیگر نمی تواند با سالوسی، خودش را جا بیندازد. نمی توانست، لکن شاید بعضیها - آنهایی که خارج بودند از عراق باورشان می آمد که این یک آدمی است که می خواهد خدمتی بکند و کذا و این حرفها. حالا معلوم شد که نه، همه فهمیدند که این آدم اینطوری است، وضعش اینطوری است. معلوم شد یک آدمی است که عرب نمی خواهد کار بکند. این خوزستان عربها را غالباً کشتند. اگر ایشان با عرب موافق است، چطور عرب کشی می کند؟ (۱۷)

رسوایی جهانخواران به وسیله جنگ

هر چه از این جنگ ناخواسته تحمیلی می گذرد، قدرت اسلام و جمهوری اسلامی و قوای نظامی و انتظامی ایران و پایداری ملت متعهد آشکارتر و افزونتر می گردد، و رسوایی جهانخواران و وابستگان و پیوستگان به آنان بیشتر و واضحتر می شود، و مشت خرابکاران و منافقان و منحرفان بازتر می گردد. (۱۸)

جنگ تحمیلی احیاگر اسلام

ما باید فکر کنیم که این دو مطلب را در ترازو بگذاریم در میزان بگذاریم، مسأله اینکه چی دادیم از دست و مسأله اینکه چی به دست آوردیم ... آنچه ما [به] دست آوردیم این است که ما اسلام را در اینجا زنده کردیم. پیشتر اسمی از اسلام بود و لیکن اسلام اصلش نبود؛ یعنی، اصلش دعوا با اسلام بود، می خواستند اسلامزدایی کنند؛ از بین ببرند همه این چیزها را، منتها

با تدریج از اول نمی توانستند بگویند ما قبولش نداریم، می گفتند ما قبولش داریم، لکن پایه ها را. هی می زدند؛ یکی یکی می زدند. احکام اسلام را از بین برده بودند. همه کارهایی که کردند اینطوری بود. و بحمدالله، الآن مردم اسلام را در این کشور می بینند و می بینند که همه آن فسادهایی که در خیابانها و در کاباره ها و اینها بود، اسمی از آنها نیست. (۱۹)

جنگ، افشای اظهارات صدام

امروز صدام اظهار اسلام و نماز خواندن - که آن را هم غلط می خواند- می کند، حتی این اظهار هم از برکات جنگ است، و الاّ اینها ضد اسلامند و حزب بعث اساسش بر نفی اسلام می باشد. اینها از اسلام بری هستند و اسلام هم از آنها بری. (۲۰)

افشای چهره آمریکا

از جمله، دفاع حق تعالی و معکوس کردن مکر کاخ سفید این است که تروریست پروری سردمداران کاخ سیاه آمریکا بر سر زبانها، حتی روشنفکران آمریکا، افتاده است. **کاخ سیاه با اخراج رژیم عراق از لیست تروریستها به صورتی واضح ثابت کرد که تروریست پرور و طرفدار آن است.** کاخ سفید میزان تروریست و ضد آن را مخالفت با جنایاتش در سراسر جهان، و موافقت با آن می داند. **رژیم عراق تا مخالف بود، در لیست تروریست پرورها بود. و آن روز که سر اطاعت به آستان کاخ سیاه نهاد، از لیست خارج شد!** هر چند توطئه های تروریستی آن در منطقه، خصوصاً خلیج فارس، برملا شده باشد. (۲۱)

رسوایی مدعیان هنر

هنرمندان ما تنها زمانی می توانند بی دغدغه کوله بار مسئولیت و امانتشان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر، تنها و تنها در چهارچوب مکتبشان، به حیات جاویدان رسیده اند. و **هنرمندان ما در جبهه های دفاع مقدسمان اینگونه بودند، تا به ملاّ اعلا شتافتند؛ و برای خدا و عزت و سعادت مردمشان جنگیدند؛ و در راه پیروزی اسلام عزیز تمام مدعیان هنر بی درد را رسوا نمودند.** خدایشان در جوار

رحمت خویش محشورشان گرداند. (۲۲)

افشای چهره تزویر جهانخواران

ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده ایم، ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم، ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناخته ایم... جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظامهای فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند. (۲۳)

۴. تثبیت و صدور انقلاب

بازدارندگی سایر دشمنان از تعرض به ایران

از چیزهایی که ما متوجه قبلاً نبودیم و بعد متوجه شدیم، این است که این مثنی که شما جوانان ما و ارتش ما و پاسداران ما و سایر قوای مسلح و امدادی به دهان این مهاجمین زدید، این یک عبرتی می شود از برای دیگر حکام جوری که شاید یک وقت در مغز خودشان این تخیل پیش آمده است که ایران به هم ریخته است و خوب است که ما هم یک هجومی بکنیم ... از اموری که در این جنگ، که ما مکروه داشتیم، پیش آمد برای ما، این بود که به واسطه شجاعت سربازان دلیر ما و شجاعت ملت بزرگ ما، که توانست این مطلب را تثبیت کند که کسی نمی تواند به این مملکت رخنه کند و کسی نمی تواند آسیب به این کشور برساند. (۲۴)

نشر عظمت اسلام در جهان

هر چند جنگ و دفاع از حق و میهن، زحمتهای و خسارتهای دارد و جوانان پرارزش را از ما گرفت و جنگزدگان مظلومی را آواره و بی خانمان کرد. لکن به خواست خدای متان محتوای پر عظمت و شکوهمندی داشت. این جنگ تحمیلی، شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهناور جهان منتشر نمود، و ایران بزرگ که می رفت با خیانتهای خاندان پهلوی و بستگان آنان یک کشور وابسته و مصرفی و یک ملت مرده و سر به زیر برای ضربه خوردن و ستم پذیرفتن معرفی شود، ناگهان با یک جهش بی سابقه و یک انقلاب الهی در جنگ غافلگیرانه با توطئه جهانخواران ستم پیشه و مزدوران بی فرهنگ و پشتیبانی آشکار و نهان ابرقدرتها آنچنان پیروزمندانه و شجاعانه بر پیکر پلید صدامیان و امریکاییان منطقه تاخت، و آنچنان اسطوره های شیطانی را یکی پس از دیگری در هم شکست که گویی دست مبارک علی بن ابیطالب -سلام الله علیه در روز خندق از آستین پر عظمت لشکریان ما بیرون آمده است و در مبارزه تمامی اسلام در مقابل تمامی کفر ظفرمندانه و سرافراز با قامتی به بلندی ابدیت استوار ایستاده است. (۲۵)

اثبات توانمندی ایران

ما در این سه سال، نزدیک به چهار سال -یعنی، وارد در چهار سال که شدیم این عمق پیشرفت ظاهری را به دنیا حالی کردیم به حکومت‌های بزرگ دنیا، به قدرتهای بزرگ دنیا. این کاری که شما برادرها و دوستان شما و همقطارهای شما انجام دادند، حالی کردند به آنها که ما در عین حالی که یک جمعیت کمی هستیم، لکن توانایی این را داریم که با هر قدرتی مقابله کنیم. (۲۶)

توجه مردم جهان به اسلام

بحمدالله امروز قدرت ایرانی و قدرت اسلام در ایران به طوری است که توجه همه ملت‌های ضعیف را به خودش معطوف کرده است، و اسلام صادر شد در سرتاسر دنیا. از این سیاه‌های عزیزی که در امریکا هستند، و تا افریقا و تا شوروی و همه جا، نور اسلام تابیده است و توجه مردم به اسلام شده است. و منظور ما از صدور انقلاب همین بود و تحقق پیدا کرد، و ان شاء الله اسلام در همه جا غلبه بر کفر خواهد پیدا کرد. (۲۷)

نقش جنگ در معرفی اسلام به دنیا

جنگ در عین حال که ناگوار بود و شهرهای ما را خراب کرد، ولی برکاتی داشت که اسلام به دنیا معرفی شد، و اینکه چه اشخاصی و قدرتهایی در مقابل اسلام ایستادند، و چه کسانی از اسلام می ترسند، و چه قدرتهایی علیه اسلام قیام کردند، همه اینها در جنگ معلوم شد. ابرقدرتها نه شخص صدام را می خواهند نگه دارند و نه ما را می خواهند بکوبند، بلکه آنها از اسلام می ترسند و اسلام را می خواهند بکوبند، از این جهت با ما مخالفند و از او طرفداری می کنند. آنها می دانند که مردم کشورهای اسلامی در مقابلشان می ایستند، و همچنین مردم کشورهای غیراسلامی که متوجه ما هستند، مثل سیاه‌پوستان. (۲۸)

صدور تجربه های مبارزه و دفاع

ما به تمام جهان تجربه هایمان را صادر می کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچکترین چشمداشتی، به مبارزان راه حق انتقال می دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه ها، جز شکوفه های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های دربند نیست. (۲۹)

برکات مختلف جنگ

البته اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می نگریستیم و می رسیدیم ولی این بدان معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام بود مغلوب خصم شده ایم. هر روز ما در جنگ برکتی داشته ایم که در همه صحنه ها از آن بهره جسته ایم.

- ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده ایم،
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده ایم،
- ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم،
- ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناخته ایم،
- ما در جنگ به این نتیجه رسیده ایم که باید روی پای خودمان بایستیم،
- ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم،
- ما در جنگ ریشه های انقلاب پر بار اسلامی مان را محکم کردیم،
- ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم،
- ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرتها و ابرقدرتها سالیان سال می توان مبارزه کرد،
- جنگ ما کمک به افغانستان را به دنبال داشت،
- جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت،
- جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظامهای فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند،
- جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت،
- تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آنچنانی برخوردار شد و از همه اینها مهمتر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت. ... چه کوه نظرنده آنهایی که خیال می کنند چون ما در جبهه به آرمان نهایی نرسیده ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خودگذشتگی و صلابت بیفایده است!

درحالی که صدای اسلامخواهی افریقا از جنگ هشت ساله ماست، علاقه به اسلام شناسی مردم در امریکا و اروپا و آسیا و افریقا یعنی در کل جهان از جنگ هشت ساله ماست. (۳۰)

۵. پرورش روح و جسم

ایجاد تحرک و خروج از سستیها

اصل جنگ، که واقع می شود، ولو تحمیلی است این جنگ، لکن جنگ وقتی که واقع می شود، انسان را از آن خستگی و از آن چیزهایی که سست می کند انسان را، از آن سستیها و خستگیها بیرون می آید و فعالیت می کند و جوهره انسان، که باید همیشه متحرک و فعال باشد، بروز می کند. در استراحت و در راحت و در این امور، انسان هی کسل می شود، هی خمود می شود، قوای انسان خمود می شود، خصوصاً آنهایی که به عیاشی عادت دارند یا به رفاه عادت دارند، آنها دیگر بدتر خواهند شد. لکن وقتی که جنگی در کار می آید و حماسه ای وجود پیدا می کند و تاریک می شود شب و روشن می شود روز و توپ انداخته می شود و اینها، انسان را از آن حال خمودی و از آن حال سستی بیرون می کند و انسان آن واقع خودش را، که فعال است و متحرک، آن واقع را بروز می دهد. (۳۱)

بروز شجاعت انسان

در هر صورت، جنگ خیلی خوب است از یک جهت و آن این است که انسان را، شجاعتی که در باطن انسان است بروز می دهد و تحرک برای انسان حاصل می شود. انسان از آن خمودی بیرون می آید. (۳۲)

بیداری ملت ایران

جنگ برای ما، ما را بیدار کرد. آن رخوت و سستی اگر پیدا می شد، دوباره برگشت به یک قرصی و محکمی. (۳۳)

ایجاد تحرک عمومی در ملت ایران

البته در این سالی که به ما گذشت ماجراهای زیاد، گرفتاریهای زیاد برای ملت ما رخ داد. ولی من به نظرم می رسد تا گرفتاریها نباشد، سختیها نباشد، جنگها نباشد و کشتار دادن آنها و سایر اثرات آن نباشد، انسان از آن خمودی و از آن راحت طلبی - که در ذاتش هست بیرون نمی آید. البته جنگ و لواحق آن بسیار ناگوار بود برای ملت ما، لکن در ازای او جوانهای ما، آنهایی که در جبهه ها می گذرانند و مردمی که جنگ را لمس می کنند، آنچنان مقاومتی از خودشان به خرج دادند که متوقع نبود. و این از برکات زحمتهای و ناگواریهای جنگ و لواحق جنگ بود. اگر در یک رژیمهایی که ملت شرکت نداشتند با دولت در همه امور و حاضر در صحنه نبودند در همه گرفتاریها و زحمتهای جنگی واقع می شد، فقط در یک کناری بود، بدون اینکه تحرکی از خود ملت و جوانهایی که احتیاج به تحرک دارند واقع می شد، این جنگ بیفایده بود. و اما امروز تمام ملت ما، نه فقط جوانها و آنهایی که در جبهه ها هستند، بلکه پیرمردها و پیرزنها و دختر و بچه های نابالغ در صحنه گرفتاریها و در صحنه جنگ حاضرند و همه خود را در جبهه می بینند. (۳۴)

خروج جوانان از سستی

این جنگ پیش آمد و یک سال و نیم تقریباً طول کشیده است و ثمرات بزرگی برای ما داشته است که اول غافل بودیم و کم کم متوجه شدیم. یکی از ثمرات بزرگ این، این تحرک بی سابقه ای است که در جوانهای ما در جبهه ها و پشت جبهه ها این تحرک بزرگ حاصل شده است و کأنه از آن رخوت و سستی که برای اشخاصی است که نشسته اند و کارهای معمولی را می کنند، این رخوت و سستی از بین رفته است و جای خودش را به فعالیت و تحرک داده است که امروز ارتش ما، سپاهیان ما، بسیج ما و عشایر ما و ملت ما، چه در جبهه و چه در خارج جبهه، فعالند و متحرک و در مقابل همه ناگواریها ایستاده اند و جنگ را برای خودشان گوارا می دانند. (۳۵)

ایجاد عشق به شهادت در ملت

امروز ایران یکپارچه تحرک است، یکپارچه فعالیت است، یکپارچه هوای عشق به شهادت و هوای عالم غیب است. در رژیمهای سابق، اسمی از این مسائل نبود. (۳۶)

الهی شدن ملت

الآن من گاهی که وصیتنامه بعض از شهدا را می بینم یا وضع جبهه ها را می بینم یا شعارهایی که در جبهه ها - همان شبی که فردا احتمال دارد که شهید بشوند می بینم، می بینم که ملت، الهی شده است. (۳۷)

تحول معنوی مردم ایران

این تحول، تحولی است که شرق و غرب نمی توانند بفهمند. آنها هر چیزی می توانند بفهمند، همین در سطح مادیت اشیا را ارزیابی می کنند که کدام پیروز شد، کدام پیروز نشد. در سطح معنویت اینها نمی توانند اصلاً تصور کنند که یک کشور چهل میلیونی چطور متحول شده است به یک چیزی که جوانهایشان را می دهند و گریه می کنند که کاش یکی دیگر هم داشتند. دست و پایشان را از دست داده اند و تأثرشان به این است که من ندارم که باز [به جبهه] بروم! و این صحنه های بسیار نورانی که در جبهه ها [است] شما که هستید، بهتر از ما می دانید که چه صحنه هایی است. (۳۸)

نجات از انحطاط فرهنگی

آن چیزی که به ملت ما خدای تبارک و تعالی عنایت فرموده است بسیار است. از آن جمله نجات از آن انحطاط فرهنگی و اخلاقی و وصول به مراتبی از مراتب اخلاق و فرهنگ، و پیروزی در جبهه ها، و بالاتر از آن پیروزی بر نفس که برای جوانهای ما در قشر وسیعی حاصل شده است. و من امیدوارم که برای همه ما این پیروزی معنوی و این تسلط بر نفس و این تسلط بر شیطان نفس حاصل بشود. و ما امروز غرق به نعمتهایی هستیم که نمی توانیم آن نعمتها را شکرگزاری کنیم الا به طور اجمال که از خدای تبارک و تعالی تشکر می کنیم که به ما یک همچو ملتی عنایت فرموده است که در همه جبهه ها، در همه صحنه ها حاضرند. و ما را و جوانهای ما را و بانوان ما را از آن منجلابی که برای آنها درست کرده بودند، خداوند نجات مرحمت فرمود. و جوانهایی که می رفت بکلی از دست اسلام و از دست مسلمین بروند خداوند به ما برگرداند، و آنها را همچو متعهد کرد که الآن برای شهادت داوطلب می روند، و در جبهه

ها در حالی که جنگ می کنند تکبیر می گویند، نماز می خوانند و در شبها مناجات با خدا می کنند. و اینها از نعمتهایی است که ما باید تشکر کنیم. (۳۹)

افزایش تحمل ملت ایران

هزاران شکر خدای متعال را که با دست عنایت خود تحولی در این ملت عظیم الشان ایجاد فرموده که همه اقشار آن به هم پیوسته و ید واحد شده اند و با اتکال به قدرت الهی در مقابل همه ایستاده و از این هیاهوها و چنگ و دندان نشان دادن به خود هراس راه نمی دهند و هر روز مصمم تر و مهیاتر برای دفاع از آرمانهای اسلامی هستند. (۴۰)

کسب رضایت الهی

ملت بزرگ ایران به پیروی از اولیای عظیم الشان اسلام، این دفاع مقدس را آغاز نموده و در انجام آن و رسیدن به هدفهای اعلای قرآنی جان و مال را داوطلبانه فدا کرده و آنچه وظیفه الهی بوده به طور شایسته انجام داده است و بحمدالله تعالی قدمهای بزرگی در راه شناساندن اسلام الهی و محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم برداشته است. گرچه وجودهای عزیز و ارزشمندی را از دست داده است، لکن ارزشهای بالاتر و والاتری به دست آورده و آن رضای خداوند متعال است و چه چیز می تواند از آن بالاتر باشد. (۴۱)

اقبال مردم به امور معنوی

بحمدالله کشور ما، کشور شما، کشوری است که امروز باید بگوییم نمونه است. آنچه که می خواستم عرض کنم این است که این اقبال مردم بر امور معنوی و بر امور ظاهری، خصوصاً این جوانهای ما در جبهه ها و این روز قدس که امسال من هر چه نگاه کردم به نظرم عظیمتر از سال قبل بود، و نمی تواند انسان قدر این نعمت را و شکر این نعمت را به اندازه کافی بجا بیاورد ... خدا می داند که من هر وقت نظرم به این جوانهایی که عازم جبهه هستند و با شور و شغف دارند به جبهه ها می روند، وقتی من آنها را نگاه می کنم، از خودم خجالت می کشم، ما کی هستیم، ما چی هستیم؟ ما قریب هشتاد و چند سال در این دنیا - خودم را می گویم بودم و به قدر این چند روزی که اینها مشغول خدمت هستند، ما خدمت نکردیم، ما خودمان را نساختیم. از من گذشت، لکن شما توجه کنید که خود را بسازید. توجه کنید که دنیا را به چیزی

نگیرید، توجه کنید که همه رفتنی هستیم و باید به خدای تبارک و تعالی نزدیک بشویم تا آن جا ما را راه بدهند. (۴۲)

شوق جوانان به جبهه ها و شهادت از علائم ظهور حضرت حجت (عج) است...

سبقت در مبارزه با باطل

به هر حال، قلم و بیان من عاجز است که مقاومت عظیم و گستردهٔ میلیون‌ها مسلمان شیفتهٔ خدمت و ایثار و شهادت را در این کشور صاحب الزمان - ارواحنا فداه ترسیم نماید، و از حماسه ها و رشادتها و خیرات و برکات فرزندان معنوی کوثر، حضرت فاطمهٔ زهرا - سلام الله علیها - سخن بگوید؛ که همهٔ اینها از هنر اسلام و اهل بیت و از برکات پیروی امام عاشورا سرچشمه گرفته است. و ملت ماکمربندها را محکم بسته اند؛ و از زن و مرد و پیر و جوان همه و همه، جز تعداد انگشت شماری منافق خود فروختهٔ جاسوس و سایر وابستگان به استکبار جهانی، در صحنهٔ نبرد حق در برابر باطل ایستاده اند و بر یکدیگر سبقت می جویند. و کدام سبقتی در مسیر الی الله بالاتر از اینکه سیلزندگان محصور در فکر کمک به جبهه اند و رزمندگان در صحنهٔ نبرد هم بضاعت مالی خود را به سیل زده‌گان تقدیم می کنند؟ و کدام تحولی بالاتر از اینکه پدران و مادران و همسران شهیدان ما از فراق عزیزان خود شکوه نمی کنند، ولی غبطه و حسرت دوری از قافلهٔ شهدا را بر زبان دارند؟ (۴۳)

پرورش داوطلبان شهادت

الحمد لله این کشور رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم امروز میلیون‌ها جوان داوطلب جنگ و شهادت در خود پرورانده است و دل و دیدگان ملت ما را جز رضایت حق چیزی پر نخواهد کرد و به همین جهت از بذل مال و جان و فرزندان خویش در راه خدا لذت می برند و ملاک ارزش و برتری در نزد آنان تقوا و سبقت در جهاد گردیده است و از تفرعن‌ها و خودنمایی‌های جاهلیت قدیم و جدید متنفرند. (۴۴)

تقویت حس برادری

ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم. (۴۵)

تقویت وحدت ملت

امروز، روز اتحاد و یگانگی است و این هم از الطاف بزرگ و تأییدات الهی است که درست بر خلاف تصور و خواست فتنه انگیزان و جنگ افروزان، همه توطئه ها و جنگها، به اتحاد و یکپارچگی ملت بیدار و زنده ما در برابر قدرتها می انجامد. (۴۶)

وحدت و همدلی ارتش و ملت

بعضی قضایاست که انسان گمان می کند که این شرّ است، لکن به حسب واقع، خیر است. در این قضایای اخیر، که دولت جابر عراق تحمیل کرد بر ایران، باید بگوییم: «الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ» برای اینکه چند مطلب را ثابت کرد: یکی اینکه ضدانقلاب در ایران شایعه می کردند که ارتش ایران ارتشی است که از بین رفته و دیگر نمی تواند در مقابل دشمنها مقاومت کند و شایعه افکنی می کردند، بلکه ابتدائاً می گفتند که اصلاً ارتش لازم نیست، ارتش باید به هم بخورد و بعد از سر، یک مسائلی شروع بشود. در این جنگ تحمیلی، ثابت شد که ارتش نیرومند است و ارتش با سایر قوای مسلّحه با هم هستند؛ تفاهم دارند؛ با هم می جنگند و همه کسانی که در ارتش هستند، در رأس ارتش هستند، وفادارند. این خود یک خیری بود که جلوی شایعات را گرفت ... یکی دیگر اینکه منتشر می کردند و دائماً می گفتند که انقلاب در اول یک چیزی داشت: مردم با هم بودند و حالا دیگر نیستند با هم، با هم مختلف هستند. از این حرفهای نامربوط که هی دائماً می گفتند. باز در این جنگ ثابت شد که سرتاسر کشور با هم هستند و مردم به همان روح انقلابی باقی هستند و الآن از همه جاهایی که جوانهای ما هستند، از همه اقطار کشور، پیشنهاد می کنند که به جنگ بروند، لکن احتیاجی نیست الآن به جنگ آنها و اگر - خدای نخواست - یک وقت احتیاج شد، آن وقت معلوم می شود که چه خواهد شد. اینها از اموری بود که خیر بود برای ما ... یکی از امور که باز خیر بود برای ما اینکه دولت عراق فهمید که با کی طرف است. اینها دائماً هی پیش خودشان می گفتند که ما اگر - همچو خیالات می بافتند که اگر ما حمله به ایران بکنیم، در همان حمله اول، دیگر کار تمام است و ما می رویم برای مرکز ایران و همه جا. حالا فهمیدند که نه، مسأله اینطور نیست. در عین حالی که ما باز به مردم اجازه ندادیم و آن بسیج عمومی را اجازه ندادیم، الآن مع ذلک، فهمیدند اینها که خیر، کاری از آنها بر نمی آید و اگر دولت ایران بخواهد، آنها را ان شاءالله، بزودی از بین می برد. (۴۷)

یکپارچه شدن ملت

ما از جنگ چه ترسی داریم؟ یک ملتی که حاضر است برای شهادت و شهادت را فوز عظیم می داند، چه باکی از این مسائل دارد؟ از این، از اینکه باکی نیست. تازه وقتی که یک جنگی شروع می شود، ملت ما بیدار می شود. بیشتر متحرک می شود. شما ببینید که در این جنگی که به ایران تحمیل کردند و اشخاص خائن به اسلام، مخالف سرسخت با اسلام، این جنگ را به پا کردند، ایران چه جور باز زنده شد، یکپارچه ایران دوباره انقلاب کرد و توجه کرد به یک مقصد؛ سرتاسر ایران. کدام کار ممکن بود که اینطور مردم را بسیج کند؟ این جنگ بود که بسیج کرد. پس [در] جنگ چیزهایی است که ما خیال می کنیم بد است، بعد خوب از کار درمی آید. (۴۸)

بسیج عمومی ملت

یکی از مسائلی که باز مرتب شد بر این، اینکه شیاطین فهمیدند قدرت اسلام در ایران چیست و قدرت ارتش ما و پاسدارهای ما - که خداوند همه را حفظ کند آنطور نیست که آنها خیال می کردند. خلیجیها هم فهمیدند که نه، مسائل آنطورها نیست و اگر - خدای نخواستہ یک وقت شیطنت کنند، ممکن است عکس العمل داشته باشد. دیگران هم فهمیدند که نه، قدرت اسلام بیش از این مسائل است که اینها خیال می کنند. قدرت اسلام است که یک مملکت را یکپارچه بر ضد آنها به راه می اندازد؛ بسیج می کند. این قدرت اسلام است. این هم یکی از برکاتی بود که از این جنگ تحمیلی برای آنها ننگ بار آورد و برای ملت ما سلحشوری و قدرتمندی و بیداری. (۴۹)

پیوند همه اقشار

شما در حالی که هستید با ارتشی که در سابق بود خیلی فرق دارید. شما بدانید که اگر در زمان سابق ارتش می خواست با یک گروهی یا با یک دولتی مقابله کند، نه خود ارتش با اختیار و اشتیاق می رفت به میدان جنگ و نه قشرهای ملت از او پشتیبانی می کرد. این برکت اسلام است. این برکت قرآن کریم است که در بین ما هست. اسلام است که همه قشرها را به هم پیوند می دهد و یک همچو بسیج عمومی درست می کند. (۵۰)

انسجام ملت ایران

بحمدالله تعالی این جنگ تحمیلی موجب انسجام هر چه بیشتر ملت رزمنده ما گردید ... صدام و پشتیبانان ستمگر او باید بدانند که در این سال، انسجام و قدرت ارتش شجاع و سپاه پاسداران غیور و سایر قوای مسلح نظامی و ملی اسلامی ما بیش از سالهای پیش است، و ملت رزمنده ما بیش از سابق پشتیبان آنان هستند، و داوطلبان شهادت در راه خداوند متعال روز به روز افزایش یافته و منتظر فرمان الهی هستند. (۵۱)

بسیج شدن توده های محروم

ما هر روز شاهد یک پیروزیهایی در جبهه ها هستیم [بواسطه] همه آنها که سرتاسر این جبهه ها فعالیت می کنند و آنها هم از همین طبقه محرومند، لکن طبقه فوق همه طبقات هستند. چنانچه شما هم و همه کسانی که، زن و مردی که، در پشت جبهه هستید همه مشغول به فداکاری و مشغول به جنگ هستید. آنها در جبهه جنگ می کنند و شما در پشت جبهه و این از خصوصیات انقلاب اسلامی است، این از خصوصیات اسلام است. (۵۲)

تقویت روح تعاون در ملت

جنگ هم یک مسأله ای بود که انسان خیال می کرد که یک هائله ای است برای ما و یک مسأله ای است بسیار مهم، لکن معلوم شد که منافعش بیشتر از ضررهایش بود. آن انسجامی که در اثر جنگ بین همه قشرها پیدا شد و آن معنای روحانی و معنوی ای که در خود سربازان عزیز از ارتش و ژاندارمری و سپاه پاسداران به نمایش گذاشته شد و آن روح تعاونی که در همه ملت از زن و مرد در سرتاسر کشور تحقق پیدا کرد، به دنیا فهماند که این مسأله ای که در ایران است با همه مسائل جداست. اینجا از باب اینکه اصل نهضت را خود ملت کرد و به ثمر رساندنش هم به دست خود ملت شد، چیزهایی که بر ضد این نهضت و بر ضد این انقلاب است، باز به دست خود ملت از سر راه برداشته می شود و ان شاءالله این هم به زودی حل خواهد شد. (۵۳)

مهربانی و همدلی ملت

در پی پیروزی عظیم رزمندگان پرتوان اسلام و آزادی خرمشهر، شهر لاله های خونین، مردم عزیز و مهربان و ایثارگر کشورمان و علمای اعلام و ائمه محترم جمعه و جماعت در شهرستانهای مختلف با تلگرافهای بسیار آمادگی خود را جهت بازسازی مناطق ویران شده

اعلام و مراتب ایثار و فداکاری خویش را در این امر مهم و انسانی ابلاغ کردند. و برآستی این حضور دائمی و خستگی ناپذیر در صحنه، و آمادگی و فداکاریهای خالصانهٔ مردم دلیر ما برای هر مسلمانی غرورانگیز و برای جهانیان اعجاب آمیز است و می توان گفت این هم یکی از الطاف الهی و برکات جنگ است که این چنین مردم را به هم نزدیک و مهربان نموده و در غم و شادی یکدیگر شریک ساخته است. (۵۴)

منابع:

۱- ۱۱ / ۷ / ۶۱ (سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده افسری ارتش)، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۵

۲- ۶ / ۵ / ۶۶ (پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام)، همان، ج ۲۰، ص ۳۲۴

۳- ۶ / ۵ / ۶۶ (پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام)، همان، ج ۲۰، ص ۳۲۶

۴- ۳ / ۱۲ / ۶۷ (پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات)، همان، ج ۲۱، ص ۲۸۳

۵- ۱۲ / ۸ / ۵۹ (سخنرانی در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام)، همان، ج ۱۳، ص ۳۱۱-۳۱۲

۶- ۲۶ / ۱۱ / ۵۹ (سخنرانی در جمع مدیران شرکت ملی نفت)، همان، ج ۱۴، ص ۱۱۴

۷- ۱۲ / ۱ / ۶۰ (پیام هفت ماده ای به ملت ایران)، همان، ج ۱۴، ص ۲۵۱

۸- ۳۱ / ۱ / ۶۰ (سخنرانی در جمع پرسنل صنایع نظامی کشور)، همان، ج ۱۴، ص ۳۰۷ - ۳۰۹

۹- ۲۴ / ۱۲ / ۶۰ (سخنرانی در جمع کارکنان وزارت امور خارجه و پرسنل هواپرواز)، همان، ج ۱۶، ص ۱۰۴

۱۰- ۸ / ۳ / ۶۱ (سخنرانی در جمع اعضای ستاد بسیج اقتصادی)، همان، ج ۱۶، ص ۲۷۰

۱۱- ۹ / ۳ / ۶۱ (سخنرانی در جمع مسئولان وزارت نفت همان)، همان، ج ۱۶، ص ۲۷۶

۱۲- ۶۱ / ۱۰ / ۲ (سخنرانی در جمع پرسنل گروه تحقیقات صنعتی و دفاعی)، همان، ج ۱۷، ص ۱۷۰-۱۷۱

۱۳- ۶۷ / ۴ / ۲۹ (پیام به ملت ایران)، همان، ج ۲۱، ص ۹۶

۱۴- ۶۷ / ۱۲ / ۳ (پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین)، طلاب و ائمه جمعه و جماعات، همان، ج ۲۱، ص ۲۸۳

۱۵- ۵۹ / ۷ / ۸ (سخنرانی در جمع گروهی از مردم مرزنشین کشور)، همان، ج ۱۳، ص ۲۴۶-۲۴۷

۱۶- ۵۹ / ۷ / ۸ (سخنرانی در جمع گروهی از مردم مرزنشین کشور)، همان، ج ۱۳، ص ۲۴۹-۲۵۰

۱۷- ۵۹ / ۸ / ۱۴ (سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی)، همان، ج ۱۳، ص ۳۳۱

۱۸- ۶۱ / ۶ / ۳۱ (پیام به ملت ایران)، همان، ج ۱۶، ص ۵۱۸

۱۹- ۶۱ / ۱۰ / ۲ (سخنرانی در جمع پرسنل گروه تحقیقات صنعتی و دفاعی)، همان، ج ۱۷، ص ۱۷۰

۲۰- ۶۲ / ۶ / ۲۸ (سخنرانی در جمع اعضای کمیته برگزاری مراسم سالگرد جنگ)، همان، ج ۱۸، ص ۱۳۰

۲۱- ۶۴ / ۵ / ۲۵ (پیام به حجاج و مسلمانان ایران و جهان)، همان، ج ۱۹، ص ۳۳۵

۲۲- ۶۷ / ۶ / ۳۰ (پیام به هنرمندان و خانواده شهدا)، همان، ج ۲۱، ص ۱۴۵-۱۴۶

۲۳- ۶۷ / ۱۲ / ۳ (پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات)، همان، ج ۲۱، ص ۲۸۳

۲۴- ۶۰ / ۹ / ۱۱ (سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده افسری و پرسنل هوانیروز)، همان، ج ۱۵، ص ۴۰۱-۴۰۲

۲۵- ۶۱ / ۱ / ۱۲ (پیام به ملت ایران همان)، ج ۱۶، ص ۱۵۶-۱۵۷

۲۶- ۶۱ / ۳ / ۲۲ (سخنرانی در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش)، همان، ج ۱۶، ص ۳۱۳

۲۷- ۴ / ۲ / ۶۲ (سخنرانی در جمع کارگران، معلمان و مربیان پرورشی)، همان، ج ۱۷، ص ۴۱۵

۲۸- ۲۸ / ۶ / ۶۲ (سخنرانی در جمع اعضای کمیته برگزاری مراسم سالگرد جنگ)، همان، ج ۱۸، ص ۱۳۱

۲۹- ۶ / ۵ / ۶۶ (پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام)، همان، ج ۲۰، ص ۳۲۵

۳۰- ۳ / ۱۲ / ۶۷ (پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات)، همان، ج ۲۱، ص ۲۸۳-۲۸۴

۳۱- ۸ / ۷ / ۵۹ (سخنرانی در جمع گروهی از مردم مرزنشین کشور) همان، ج ۱۳، ص ۲۴۷

۳۲- ۸ / ۷ / ۵۹ (سخنرانی در جمع گروهی از مردم مرزنشین کشور) همان، ج ۱۳، ص ۲۴۹-۲۵۰

۳۳- ۱۴ / ۸ / ۵۹ سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی)، همان، ج ۱۳، ص ۳۲۹

۳۴- ۲۸ / ۱۲ / ۵۹ (سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی)، همان، ج ۱۴، ص ۲۰۳

۳۵- ۱۱ / ۹ / ۶۰ (سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده افسری و پرسنل هوانیروز)، همان، ج ۱۵، ص ۴۰۰-۴۰۱

۳۶- ۱۱ / ۹ / ۶۰ (سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده افسری و پرسنل هوانیروز)، همان، ج ۱۵، ص ۴۰۲

۳۷- ۱۱ / ۹ / ۶۰ (سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده افسری و پرسنل هوانیروز)، همان، ج ۱۵، ص ۴۰۲-۴۰۳

۳۸- ۲۲ / ۳ / ۶۱ (سخنرانی در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش)، همان، ج ۱۶، ص ۳۱۴-۳۱۵

۳۹- ۱ / ۱ / ۶۲ (پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران)، همان، ج ۱۷، ص ۳۶۸-۳۶۹

- ۴۰- ۶۳ / ۳ / ۷ (پیام به نمایندگان مجلس)، همان، ج ۱۸، ص ۴۶۹
- ۴۱- ۶۴ / ۱۲ / ۳ (پیام به ملت ایران، همان)، ج ۱۹، ص ۴۹۶-۴۹۷
- ۴۲- ۶۵ / ۳ / ۱۹ (سخنرانی در جمع مسئولان نظام)، همان، ج ۲۰، ص ۵۴
- ۴۳- ۶۵ / ۱۱ / ۱۶ (پیام به ملت ایران)، همان، ج ۲۰، ص ۱۹۸-۱۹۹
- ۴۴- ۶۶ / ۵ / ۶ (پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام)، همان، ج ۲۰، ص ۳۳۲-۳۳۳
- ۴۵- ۶۷ / ۱۲ / ۳ (پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات)، همان، ج ۲۱، ص ۲۸۳
- ۴۶- ۵۹ / ۷ / ۵ (پیام به علما و مشایخ اهل سنت و نمایندگان مجلس، همان، ج ۱۳، ص ۲۴۴
- ۴۷- ۵۹ / ۷ / ۸ (سخنرانی در جمع گروهی از مردم مرزنشین کشور)، همان، ج ۱۳، ص ۲۴۶-۲۴۸
- ۴۸- ۵۹ / ۸ / ۱۴ (سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی)، همان، ج ۱۳، ص ۳۲۹
- ۴۹- ۵۹ / ۸ / ۱۴ (سخنرانی در جمع خطیبان مذهبی)، همان، ج ۱۳، ص ۳۳۱-۳۳۲
- ۵۰- ۵۹ / ۱۱ / ۹ (سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم، همان، ج ۱۴، ص ۲۷-۲۸
- ۵۱- ۶۰ / ۱ / ۱۲ (پیام هفت ماده ای به ملت ایران)، همان، ج ۱۴، ص ۲۵۱
- ۵۲- ۶۰ / ۱ / ۱۶ (سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم جنوب تهران)، همان، ج ۱۴، ص ۲۶۳
- ۵۳- ۶۰ / ۱۱ / ۴ (سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم)، همان، ج ۱۵، ص ۵۱۶
- ۵۴- ۶۱ / ۳ / ۱۲ (پیام به ملت ایران)، همان، ج ۱۶، ص ۲۸۴